



«ایران» برای اولین بار منتشر می کند

نامه محرمانه شهید فلاحی به امام خمینی (ره) درباره پایان جنگ

اسماعیل علوی
دبیر گروه یاداری

شهید ولی‌الله فلاحی تنها افسر عالی‌رتبه ارتش بود که در بدنه ارتش پس از انقلاب باقی ماند و با پذیرفتن پست‌های حساس منشأ خدمات ارزشمند و شایان تقدیر شد. وی پس از پیروزی انقلاب ابتدا به سمت فرماندهی نیروی زمینی ارتش منصوب شد و همچون فرماندهان میدانی در صحنه ناآرامی‌های مناطق مختلف کشور حضوری مؤثر داشت.

یک ماه پس از پیروزی انقلاب در اسفندماه ۱۳۵۷ به‌دنبال یورش نیروهای احزاب جدایی‌طلب به پادگان ارتش و زندارمری در مهادیاد، سنندج، بانه، میروان و دیگر شهرهای کردستان و محاصره آنها شهید فلاحی در جایگاه فرمانده نیروی زمینی ارتش با همراهی سه گردان از نیروهای لشکر یکم پیاده تهران رهسپار منطقه شد و از سقوط پادگان سنندج و گسترش نفوذ احزاب آشوب طلب به جنوب جلوگیری کرد. وی همزمان به‌دلیل بینش نظامی و هوشیاری راهبردی این واقعیت را درک کرده بود که ممکن است احزاب مسلح از فرصت‌ها برای بازسازی توان رزمی، عضوگیری دوباره در شهرها و تثبیت موقعیت خود در میان عشایر و تنبیه بهره گیرند. از همین رو، در تمام مدتی که آتش‌پس ناپایداری در این مناطق حکمفرما بود، نه تنها فعالیت‌های احزاب مسلح، بلکه خیز پشتیبانی و لجستیکی عراق در مناطق مرزی را نیز زیر نظر داشت. با اوج گرفتن دوباره درگیری‌ها در آغاز تابستان ۱۳۵۸، فلاحی با دیگر در منطقه

حاضر شد و فرماندهی یگان‌های ارتش را به عهده گرفت.

شهید فلاحی با درجه سرتیبد در خردادماه سال ۵۹ به‌عنوان جانشین رئیس ستاد مشترک ارتش (فرمانده کل ارتش) منصوب شد. با شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، با وجود نبود توان رزمی و عملیاتی در یگان‌های آسیب دیده ارتش و نابسامانی شرایط سیاسی کشور، توانست در سال اول، دشمن را در غرب کشور «سرپل ذهاب، بازی دراز و میمک» متوقف کند و در خوزستان هم سعی بر زمینگیری و توقف دشمن داشت، هرچند مناطقی از غرب و جنوب‌غرب استان تحت اشغال عراق باقی ماند. تیمسار فلاحی در مقام ریاست ستاد خوزستان را به علت محل خدمت اولیام می‌شناسم. با توجه به پیشروی سریع عراق آرزو داشت که ارتش عراق زمینگیر شود که چنین شد. اکنون آرزو دارم که ارتش متجاوز عراق را از اطراف آبادان تا مارد عقب بنشانم.» با طراحی و اجرای پیروزمانده عملیات ثامن‌الامنه و رفع حصر آبادان در مهر ۱۳۶۰ آرزوی تیمسار فلاحی برآورده شد و وضعیت راهبردی جنگ دگرگون و زمینه برای پیروزی‌های بزرگ آینده فراهم آمد. اگرچه چند ساعت پس از پایان این عملیات و در راه بازگشت به مرکز، در سقوط هواپیمایان خود را از دست داد، ولی چنان‌که خود او در وصیتنامه‌اش آورده بود «کارنامه» او برای همیشه در معرض قیامت نسل‌های متوالی «ملت و بویژه ارتش ایران» قرار خواهد داشت.

یکی از ویژگی‌های شهید فلاحی شناخت وی از «سازمان ارتش» و چگونگی عملکرد آن بود. او به جهت گذراندن دوره‌های عالی نظامی و تجربه عملی کار در رکن یکم ارتش، نسبت به نقاط قوت و ضعف این سازمان و ویژگی‌ها و روحیات افسران شناختی فراگیر داشت و با اتکا به همین آگاهی‌ها توانست سازمان ارتش را در بحرانی‌ترین شرایط نگه دارد و مدیریت کند. دیگر ویژگی او واقع‌نگری و برداشت ژرف و درستش نسبت به جستارهای راهبردی و نظامی و همچنین مسائل سیاسی و اجتماعی بود. ویژگی دیگر فلاحی یاور به کاربردی کردن دانش نظامی در جریان طراحی راهبردها و تاکتیک‌های جنگی بود. او نزدیک به ده سال از دوران خدمت خود را در مقام استاد و مدیر آموزش دوره‌های عالی فرماندهی و ستاد (دافوس) در دانشگاه جنگ گذراند، در شرایطی که بسیاری از تیمسارهای ارتش که ارشد او به‌شمار می‌رفتند در کلاس‌هایش شرکت می‌کردند. برآیند این تجربه، بکارگیری دانش روز نظامی و بکارگیری نیروهای کاردان در ساماندهی مقاومت سرنوشت‌آمین‌الامنه و رفع حصر آبادان در خرداد ۱۳۶۰ شهید فلاحی طی نامه‌ای فوق محرمانه به امام خمینی(ره) ضمن تحلیل اوضاع و شرایط کشور با مقایسه توان رزمی ارتش‌های طرفین با واقع‌بینی، سه راهکار پیش روی کشور را طرح و یک به یک معایب و محاسن هر یک را برمی‌شمرد. اصل این نامه که در مرکز اسناد ارتش به‌عنوان سندی افتخارآفرین نگهداری می‌شود در بردارنده نکات قابل تأمل بسیاری می‌باشد. این

نامه دو ماه قبل از شهادت این سرباز وطن و با توجه به شرایط سیاسی کشور که کشمکش دامنه‌داری میان بنی صدر رئیس‌جمهور وقت و نیروهای انقلاب به رهبری شهید رجایی وجود داشت، نوشته شده و از مضامین نامه می‌توان به شرایط حاکم بر کشور نیز پی برد. شهید فلاحی در نامه خود خطاب به امام (ره) نخست به تشریح مواضع ارتش می‌پردازد و آشکارا می‌گوید: «نیروهای مسلح کشور معتقد به ادامه جنگ با ارتش یعنی عراق بوده و در این راه حسین‌وار می‌جنگند و پیروزی را از آن خداوند و به امر خداوند می‌دانند.» وی با تأکید بر اهمیت حمایت و نقش آفرینی مردم در جنگ و زیانبار بودن و طولانی شدن زمان جنگ می‌افزاید: «در صورتی که نیروهای مسلح از پشتیبانی مادی و معنوی مردم ایران برخوردار شده و با مهمات، جنگ افزار و وسایل مورد نیاز تأمین شود، طول مدت جنگ کاهش یافته و شانس پیروزی افزایش می‌یابد؛ در صورتی که



شهید سرلشکر فلاحی

فراهم نشود زمان جنگ افزایش یافته و شانس پیروزی کاهش خواهد یافت.» در هر حال نیروهای مسلح با همه توان خود تا آخرین نفر و امکانات می‌جنگند و فقط صلحی که شرافت، استقلال، تمامیت ارضی کشور و حیثیت نظام و مردم را تأمین کند، صلحی شرافتمندانه می‌دانند. شهید فلاحی در همین راستا از رهبر انقلاب تقاضا می‌کند نمایدگانی که از سازمان‌های مختلف برای مذاکره می‌آیند، مستقیماً با یک مقام (ترجیحاً نخست‌وزیر) مذاکره و موضوع این مذاکرات در شورای عالی دفاع بررسی، سپس به عرض امام امت جهت تصمیم‌گیری و پاسخگویی به نمایندگان ارائه شود.

شهید فلاحی در این سند ضمن مقایسه توان ارتش جمهوری اسلامی با ارتش متجاوز عراق با واقع نمایی به وضوح امکانات رزمی دشمن نسبت به امکانات خودی را سه بر یک به نفع عراق برآورد می‌کند و بلافاصله به روحیه و توان



کسب سربازان یونید شهید

عمیق و دوست‌داشتنی بین جهادگران و فرماندهان ارتش و سپاه گردید. انس و دوستی رضوی با ورشایی تا به حدی بود که کمتر افرادی باور می‌کردند یکی از این دو نفر در قراقره‌ها دیگری در جهاد مسئولیت دارند و این پیوند عمیق عامل اصلی مقبولیت جهاد در قراقره خاتم شد. در واقع، رضوی در قلب ورشایی در جنگ پیدا کرد که محسن رضایی، پس از شهادت رضوی در سال ۶۶ روی ارتفاعات جاسوسان هویدا شد.

حضور ورشایی و دیگر فرماندهان جهاد در جلسات مهم قراقره خاتم‌الانبیا به حدی رسید که مسئولیت مهندسی اغلب عملیات‌ها به‌عهده جهاد قرار می‌گرفت و ورشایی در این میانه به یک فرمانده موفق شد. «میدان» در امر مهندسی رزمی تبدیل در. او مقر تاکتیکی قرارگاه مرکزی جهاد را در قلب منطقه عملیاتی انتخاب می‌کرد تا در کلیه مراحل نبرد در کنار گردان‌های مهندسی حضور داشته باشد. این ارتباط او در خطوط عملیاتی یکی از دلایل موفقیت ایشان در به کارگیری ابتکار عمل در اوقاتی بود که

نامحسوس رزمندگان اشاره کرده و بر برتری نیروهای خودی نسبت به نیروهای عراقی در این مورد تأکید می‌کند.

شهید فلاحی با پیش کشیدن موضوع اختلاف مسئولان کشور، آن را باعث تضعیف نیروهای مدافع و ایجاد ناامنی‌های داخلی بر شمرده و نگرانی خود را از آن اعلام می‌کند.

در پایان به سه راهکار جهت پایان دادن به جنگ اشاره و به تفصیل راجع به آنها

نکاتی را یادآور می‌شود.

■ **راهکار اول:**

ادامه جنگ با روش فعلی و حملات موضعی هر چند گاه یکبار با موفقیت‌های محلی تا بیرون راندن کامل ارتش متجاوز دشمن از خاک میهن اسلامی

■ **نکات منفی این راهکار:**

۱- مدت جنگ به طول می‌انجامد.
۲- ناامنی‌های داخلی افزایش می‌یابد.
۳- مشکلات بسیاری به اقتصاد کشور تحمیل می‌شود.
۴- رزمندگان فرسوده می‌شوند.

وی با مطلوب دانستن این روش برای

یکی از ویژگی‌های شهید فلاحی شناخت وی از «سازمان ارتش» و چگونگی عملکرد آن بود. او

به جهت گذراندن دوره‌های عالی نظامی و تجربه عملی کار در رکن یکم ارتش، نسبت به نقاط قوت و ضعف این سازمان و ویژگی‌ها و روحیات افسران شناختی فراگیر داشت و با اتکا به همین آگاهی‌ها توانست سازمان ارتش را در بحرانی‌ترین شرایط نگه دارد و مدیریت کند.

ایر قدرت‌ها که خواهان تضعیف توان رزمی طرفین است آن را زمینه‌سازی حضور ایر قدرت‌ها در منطقه ارزیابی کرده و تصریح می‌کند که آنان تمایل به پیروزی قطعی نظامی هیچ یک از طرفین ندارند.

به همین دلیل از واگذاری مهمات کافی و سلاح‌های مؤثر که بتواند سرنوشت جنگ را به نفع یک طرف به پایان ببرد ممانعت می‌نماید.

■ **راهکار دوم:**

ادامه جنگ با آهنگی سریع تر و ضربتی‌تر و تحصیل پیروزی نظامی قاطع. شهید فلاحی این راهکار را مورد نظر ارتش دانسته و محاسن آن را چنین برمی‌شمرد:

۱- کاهش اختلافات داخلی و ایجاد وحدت پیشتر.

۲- تغییر چهره سیاسی ایران در جهان بویژه خاورمیانه.

۳- صدور طبیعی انقلاب اسلامی و تسهیل و تسریع در آن.

۴- پایان یافتن انزوای سیاسی کشور.

۵- کاهش یافتن دخالت‌های آشکار و پنهان ایر قدرت‌ها در سرنوشت منطقه.

۶- کاهش ناامنی‌های داخلی.

۷- تضعیف و منزوی شدن گروه‌های مسلح جدایی طلب و ضدانقلاب.

وی برای تحقق این راهکار تأمین سریع مهمات و سلاح‌های مورد نیاز ارتش را ضروری می‌داند. همچنین به لزوم پایان دادن موضع‌گیری‌های سیاسی مسئولان که منحصر در توان شخص امام است تأکید می‌نماید. شهید فلاحی در این بخش از نامه خود، ضمن ارائه این راهکار مشارکت فعال مردم و همسویی نهادهای دولتی در شرایط جنگی را بسیار مؤثر دانسته و جلب و جذب این امکان را در توان شخص امام برمی‌شمرد.

■ **راهکار سوم:**

صلح به شیوه‌ای که نمایندگان کشورهای غیرمتعهد پیشنهاد می‌کنند، یعنی عقب نشینی نیروهای متجاوز عراق از خاک کشورمان تا خط مرزی که نمایندگان کشورهای غیرمتعهد پیشنهاد می‌کنند.
براین اساس حاشیه‌ای از خاک

یادکردی از مجاهدت های خاموش مهندس مهدی ورشابی، گنج پنهان مهندسی رزمی جنگ

جهاد در سایه گمنامی

وقتی نهاد جهاد سازندگی با پیام امام خمینی(ره) در ۲۷ خرداد ۱۳۵۸ وارد نهضت مبارزه با محرومیت‌زدایی در نقاط دور دست شد، جوانانی وارد سازندگی شدند که فشارشان پیام اصلی انقلاب اسلامی را در این مناطق بارور کرد. به همین دلیل اغلب این جوانان با شنیدن صدای شوم جنگی نابرابر، روستاها را ره‌کاره‌ه‌و وارد جبهه شدند.

مهدی ورشابی از جمله جوانانی بود که جهاد را از روستاهای چناران خراسان آغاز کرد، اما یکی از اولین افرادی بود که در آرزایسازي سوسنگرد در آبان ۵۹ سر درآورد. شناخت او از اسلام و انقلاب اسلامی از منظر امام خمینی (ره) و تعبد به تشیع علوی، منجر شد که در برابر لشکرهای مجرّم دشمن به سبک عاشورا وارد جنگ شده و مورد توجه افرادی چون طرح‌چی و رضوی، از بنیانگذاران مهندسی جنگ جهاد قرار گیرد. اولین سازمان‌های جنگ در جبهه سوسنگرد توسط این تیم شکل گرفت و جوانه مهندسی از دل دود و باروت چشم عشاق را به نور مقاومت منور کرد. این هسته جهاد در کلیه جبهه‌ها فعال شد و استعداد ورشابی در سایه «پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد» در مسیر تعالی قرار گرفت. ورشابی و طرح‌چی در عملیات فرمانده کل قوا فرصت طلایی ورود به نبردی را پیدا کردند که توانستند در حین عملیات خاکریزی جلوتر از خط شکنان امداد نوده تا مورد توجه فرماندهان جنگ قرار گیرد.

او در این دوران، فرماندهی در سایه را تجربه می‌کرد تا وارد حریم بنیانگذاران مهندسی یعنی طرح‌چی، رضوی و ناجیان نشود. رعایت ادب در کوران جنگ در



و فقط مظلومیت این افراد برجستگی تاریخ شده؟»

ورشابی همچنان مراحل فرماندهی را در سایه طی می‌کرد تا اینکه ناجیان در عملیات مسلم ابن عقیل به شهادت رسید و رضوی پس از عملیات خبیر به قراقره مهندسی خاتم‌الانبیا منتقل شد.

و بدین‌سان از سال ۱۳۶۲ نام ورشابی به‌عنوان «فرمانده مهندسی جنگ جهاد جنوب» در جمع فرماندهان ارتش و سپاه مطرح گردید. از طرفی، او در این مدت توانست در کوران عملیات با جهادگران گمنام ارتباط برقرار کرده و این تدبیر او منجر شد به اینکه فرماندهی در شب‌های عملیات به روش همراهی با سنگرزاسازن در خط مقدم شکل بگیرد. شاید همین ارتباطات بود که او بعد از جنگ هرگز نتوانست مسئولیت‌های کشوری و لشکری را به ره‌ایی از این همراهی با این جهادگران ترجیح دهد.

این نبوغ ورشابی بسرعت در گردان‌های مهندسی پیاده شد و به‌عنوان فرمانده «قراقره» مهندسی رزمی کربلا» جایگاهی در جنگ پیدا کرد که محسن رضایی، فرمانده کل سپاه، فرماندهی مهندسی آفند کل عملیات والفجر را به او واگذار

پایان جنگ، آغاز ورود ورشابی به جهاد اکبر بود و وفاداری به ارزش‌های دفاع مقدس، او همچون شهید باکری زندگی پس از جنگ را سخت و نگفیسر پیش‌بینی کرده و علاوه بر تحمل درد و رنج عوارض جسمی و روحی جنگ طی ۳۵ سال، بر موقعیت‌های وسوسه‌انگیز غلبه کرد تا همراه و هم‌نفس بارماندگان جنگ باقی‌مانده و در غم و شادی آنها را همراهی نماید. ساماندهی تشکیلات و امکانات مهندسی جنگ جهاد در مسیر بازسازی و ورود به کارهای عمرانی ملی، یکی از اقدامات او بعد از جنگ به حساب می‌آید که در قالب «مؤسسه جهاد نصر» سازماندهی شدند. یکی از افتخارات این مؤسسه انجام طرح ملی «احیای ۵۵۰ هزار هکتار اراضی خوزستان و ایلام» بود. ورشابی مدتی مسئولیت «مؤسسه آب و خاک» وزارت جهاد سازندگی را به‌عهده داشت، اما اصلی‌ترین دغدغه ایشان رسیدگی به امور سنگرزاسازن بی‌سنگر و خانواده شهدا بود؛ کاری بس دشوار که احساس می‌کرد بایستی این عمل صالح را به نمایندگی از شهدای جهاد برداشته بود. اگر چه در این راه خیلی به او سخت گذشت، اما همچون شب‌های عملیات برایش چون عسل شیرین بود و دوران را با الهام از سوره فجر قرآن طی نمود و سرانجام رستگار شد.

یا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ، ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً، فَادْخُلِي فِي عِبَادِي، وَادْخُلِي جَنَّاتٍ (فجر آیات ۲۷-۲۸)

تفسیر این آیات در هنگام وداع آخر در چهره‌اش موج می‌زد.